



گزارش توصیفی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوزه آبریز ابهرود

ابوالفضل عالی*

چکیده

حوزه آبریز ابهر رود به دلیل اهمیتش در پژوهش‌های باستان‌شناختی شمال غرب ایران؛ طی دو فصل در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ با ۳۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت مورد بررسی و شناسایی باستان‌شناختی قرار گرفت. بررسی در محدوده شهرستان‌های ابهر و خرمدره با اهدافی همچون شناسایی و ثبت آثار، مطالعه الگوی پراکندگی استقرارها، مطالعه پیوندهای فرهنگی این حوزه با دیگر نقاط کشور و ... انجام یافت و در نتیجه آن ۲۵۷ اثر باستانی شناسایی گردید. آثار شناسایی شده بسیار متنوع بوده و بیشتر شامل تپه‌ها و محوطه‌های باستانی که احتمالاً مراکز روستایی قدیم بودند، می‌شد. مطالعه سفال‌ها و دیگر یافته‌های سطحی حاکی از آن است که منطقه ابهرود از دوره پارینه‌سنگی قدیم مورد سکونت بشر قرار گرفته و استقرار در بخش‌های مختلف آن تا دوران متأخر اسلامی ادامه یافته است.

کلید واژگان: حوزه آبریز ابهر رود، بررسی باستان‌شناختی، الگوهای استقرار، پارینه‌سنگی قدیم.

* کارشناس ارشد باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.

مقدمه

حوزه آبریز ابهررود در استان زنجان شامل شهرستان‌های ابهر و خرمدره است و از دو بخش کوهستانی در شمال و جنوب و دشت نسبتاً وسیع در حد فاصل آنها تشکیل شده است. از دیدگاه منظری، منطقه به صورت گذرگاهی طبیعی است که رودخانه ابهررود و شاخه‌هایش در آن جریان دارند. این منطقه به دلیل داشتن ویژگی‌های طبیعی مناسب جاذب جمعیت همچون منابع آبی غنی و زمین‌های مساعد جهت کشاورزی، مراتع سرسبز همچنین موقعیت خاص آن از نظر ارتباطی، از مناطق مهم در مطالعات باستان‌شناسی شمال غرب ایران محسوب می‌شود. با این وجود تا سال ۱۳۸۳ پژوهش‌های باستان‌شناسی چندانی در منطقه در زمینه شناسایی آثار و مطالعه آنها انجام نیافته بود. بنابراین فصل اول بررسی و شناسایی حوزه آبریز ابهررود در پائیز سال ۱۳۸۳ در قالب پروژه استانی و فصل دوم آن در تابستان ۱۳۸۴ به صورت یک طرح ملی انجام یافت. نوشته حاضر؛ گزارش توصیفی مقدماتی دو فصل بررسی و شناسایی در حوزه ابهر رود است.

محدوده بررسی

مجموع وسعت شهرستان‌های ابهر و خرمدره که کل حوزه آبریز ابهررود را در استان زنجان شامل می‌شود، ۳۴۰۰ کیلومتر مربع است، که ۲۹۹۳ کیلومتر آن مربوط به ابهر و ۴۰۷ کیلومتر مربع به شهرستان خرمدره تعلق دارد. (آمارهای پایه‌ای شهرستان‌های استان زنجان، ۱۳۸۴: ۱۳) در فصل اول، محدوده‌ای که حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گرفت و شامل شهرستان خرمدره و دو دهستان ابهر رود و حومه از شهرستان ابهر

بود، مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. در فصل دوم بخش‌های باقی مانده شهرستان ابهر که شامل دهستان‌های صائین قلعه، سنبل‌آباد، سلطانیه، درسجین و دولت‌آباد بود، بررسی شد.

اهداف بررسی:

شناسایی آثار باستانی این حوزه جغرافیایی، مطالعه الگوی پراکندگی و توزیع مکانی استقرارهای انسانی و تهیه نقشه آثار باستانی منطقه از جمله اهداف اصلی برنامه بررسی و شناسایی بود.

روش بررسی:

شیوه کار در هر دو فصل پیمایش بعضی از مناطق، مثل حاشیه رودها و پرس و جو از اهالی منطقه بود. برای داشتن دید روشن‌تر از وضعیت منطقه از نقشه‌های ۱:۵۰۰۰۰ استفاده شد و شماره‌گذاری آثار باستانی نیز با دستگاه موقعیت‌یاب (GPS) انجام گردید. بعد از شناسایی محوطه‌های باستانی، بررسی آن به صورت پیمایش تمام قسمت‌ها و نمونه‌برداری با روش اتفاقی صورت گرفت.

پیشینه تحقیقات و مطالعات

پیش از انجام این پروژه؛ حوزه آبریز ابهر رود مورد بررسی کامل یا بررسی هدفدار قرار نگرفته بود. هرچند مطالعاتی به صورت جسته و گریخته در سال‌های گذشته انجام یافته بود، اما بررسی سال ۸۲ اولین مورد از بررسی جامع باستان‌شناختی در این حوزه می‌باشد. از پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام یافته قبلی در محدوده بررسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

است که ۸/۳ درصد مساحت کل استان را شامل می‌شود. شهرستان خرمدره با ۴۱۰ کیلو متر مربع وسعت در میان شهرستان ابهر قرار دارد. این شهرستان از شمال به طارم، از جنوب، شرق و غرب به شهرستان ابهر محدود می‌شود. شهر خرمدره به عنوان مرکز این شهرستان در فاصله ۸۰ کیلومتری مرکز استان واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۵۷۰ متر است. (آمارهای پایه‌ای شهرستان‌های استان زنجان، ۱۳۸۴: ۲۰) (تصویر: ۱).

وضعیت جغرافیایی منطقه

حوزه آبریز ابهر رود به طور کلی منطقه‌ای کوهستانی است که کوه‌های آن به صورت دو رشته موازی به دنبال کوه‌های زنجان از قافلانکوه با جهت شمال غربی به جنوب شرق کشیده شده است و تا دشت قزوین (تاکستان) ادامه دارد. ارتفاعات شهرستان ابهر و خرمدره که از شمال با رشته کوه البرز و از جنوب و جنوب غربی با رشته کوه زاگرس همجوار است، با دریافت برف و بارش فراوان و ایجاد شاخه‌های متعدد ابهر رود که رسوبات فراوانی را در دره ته‌نشین می‌کند، زمین‌های حاصلخیزی برای کشاورزی ایجاد می‌شود. پوشش گیاهی ارتفاعات و دامنه‌ها، زندگی شبانی را شکل می‌دهد، حاصل این امر ایجاد مراکز تجمع انسانی و اقتصادی از قبیل سلطانیه، صائین قلعه، هیدج، خرمدره و ابهر و روستاهای متعدد می‌باشد (جغرافیای استان زنجان، ۱۳۷۵: ۱۶) (تصویر: ۲).

بطور کلی حوضه آبخیز ابهر رود که دشت هموار نسبتاً وسیعی را تشکیل می‌دهد (دشت میان کوهی) در حقیقت یک چاله تکتونیکی و فروافتاده‌ای است که از شمال غرب به جنوب

- ۱- کاوش در ارگ و گنبد سلطانیه به سرپرستی دکتر سعید گنجوی (گنجوی، ۱۳۵۵).
- ۲- کاوش در تپه نور سلطانیه به سرپرستی دکتر سعید گنجوی (گنجوی، ۱۳۵۵).
- ۳- بررسی باستان‌شناسی معبد داش‌کسن به سرپرستی دکتر سعید گنجوی (گنجوی، ۱۳۵۴).
- ۴- کاوش‌های ارگ و شهر قدیم سلطانیه به سرپرستی دکتر علی اصغر میر فتاح (میر فتاح، ۱۳۷۰).
- ۵- گمانه‌زنی در قلعه تپه ابهر به سرپرستی دکتر علی اصغر میر فتاح (میر فتاح، ۱۳۷۳).
- ۶- مطالعه مساجد و بناهای آرامگاهی شهرستان ابهر توسط دکتر هوشنگ ثبوتی (ثبوتی، ۱۳۷۶).
- ۷- گمانه‌زنی در قلعه تپه ابهر به سرپرستی مهرداد عسگریان (عسگریان، ۱۳۸۰).
- ۸- گمانه‌زنی در مسجد قروه ابهر به سرپرستی امیر الهی (الهی، ۱۳۸۰).
- ۹- بررسی و شناسایی منطقه سلطانیه توسط ولفرام کلایس (Kleiss, 1997).

موقعیت جغرافیایی شهرستانهای ابهر و خرمدره

ابهر و خرمدره از شهرستانهای هفتگانه استان زنجان هستند که در سمت شرق استان واقع شده اند. شهرستان ابهر از سمت جنوب و شرق به استان قزوین، از سمت غرب به شهرستانهای خداآبنده و ایجرود و از سمت شمال به شهرستانهای زنجان و طارم محدود است. شهرستان ابهر در $49^{\circ}28'$ تا $48^{\circ}33'$ طول شرقی نصف النهار گرینویچ و $36^{\circ}43'$ تا $35^{\circ}52'$ عرض شمالی خط استوا قرار گرفته است. وسعت این شهرستان ۲۹۹۳ کیلومتر مربع

آثار و بقایای باستانی از لحاظ نوع و شکل به گروههای مشخص زیر تقسیم می‌شوند:

تپه‌ها: معمولاً در ابعاد و اندازه‌های مختلف و ارتفاع بیش از ۱ متر دیده می‌شوند. اغلب تپه‌ها در نزدیکی منابع دائمی یا فصلی آب مثل رودخانه‌ها و نهرها یا چشمه‌ها قرار دارند و از لحاظ چگونگی لایه‌های استقراری به دو گروه تقسیم می‌شوند.

الف: تپه‌های با بستر طبیعی: در این گونه از تپه‌ها بقایای استقراری معمولاً در دامنه‌های فوقانی و راس تپه دیده می‌شود. این تپه‌ها معمولاً با ارتفاع زیاد در مناطق مرتفع کوهستانی قرار دارند و یا تپه ماهورهای مناطق کم ارتفاع‌تر هستند. نوع استقرار در این تپه‌ها فصلی یا دائمی است.

ب: تپه‌های بدون بستر طبیعی: معمولاً در دره‌ها و مناطق کم ارتفاع‌تر واقع هستند و از لایه‌های متوالی استقراری روی هم تشکیل شده‌اند. نوع استقرار در این نوع از تپه‌ها معمولاً دائمی است. هر دو نوع تپه‌ها را بیشتر باید روستاهای کوچک گذشته محسوب نمود.

محوطه‌ها: محوطه‌ها معمولاً در دامنه و کوهپایه ارتفاعات قرار دارند. ارتفاع چندانی نسبت به زمین‌های اطراف خود ندارند و عموماً دارای آثار و بقایای استقراری تک دوره‌ای هستند.

احتمالاً نوع استقرار در بسیاری از محوطه‌ها فصلی است. با توجه به نداشتن ارتفاع زیاد، بسیاری از این محوطه‌ها امروزه تبدیل به زمین‌های زراعی شده‌اند. با توجه به محل قرار داشتن بیشتر محوطه‌ها در مناطق کوهستانی و نیمه کوهستانی که به لحاظ وجود مراتع سرسبز بسیار غنی هستند، به نظر می‌رسد که بیشتر محوطه‌ها محل استقرارهای فصلی و موقت طی فصول چرای دام باشند.

شرق امتداد پیدا کرده و حاصل عملکرد تکتونیک در گذشته است و لذا منشأ تشکیل آن نیروهای زمین در ادوار مختلف زمین‌شناسی است و در طول سالیان متمادی عوامل دینامیک بیرونی شکل آن را به مقدار محدودتری در مقایسه با عوامل تکتونیک تغییر داده‌اند. می‌توان گفت که در مسیر حرکت رود این حوزه و زمین‌های هموار مجاور آن و کوه‌های اطراف آن زمین فروافتادگی با بالا رفتگی پیدا کرده و به صورت هورست و گرابن درآمده است (صدری، ۱۳۸۰: ۵۵).

حوزه آبخیز ابهر رود را از دو شاخه بزرگ و دائمی و فصلی تشکیل شده است. با توجه به نقشه شبکه آبهای حوضه ابهر رود پیداست که بعضی از زیر حوضه‌های آن در تمام سال آب دارند و دائمی می‌باشند ولی این آبها در فصل گرما در آبیاری محصولات کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرند و پیش از رسیدن به خط القعر اصلی در شاخه‌های فصلی بهره‌برداری می‌گردند و این عاملی است که در اواخر بهار و تابستان موجب خشکی بستر رود اصلی می‌شود. در فصول سرد که بارش بیشتر و تبخیر و استعمال آب در کشاورزی صفر است آب این شاخه پس از الحاق به شاخه اصلی ابهر رود در خرمدره به سمت تاکستان حرکت کرده و در نهایت به دریاچه نمک می‌ریزد (بیگلر، ۱۳۷۸: ۵۲).

آثار شناسایی شده

بطور کلی با بررسی انجام یافته طی دو فصل ۲۵۷ محوطه باستانی در بخش‌های مختلف حوزه آبریز ابهر رود شناسایی شد که به لحاظ نوع و شکل استقرارها، پراکندگی مکانی و دوره‌های تاریخی بسیار متنوع و قابل مطالعه هستند (تصویر: ۳).

کرد. از جمله تاسیسات آبرسانی در بخش‌های مختلف دشت ابهر رود قنات‌ها هستند که چاه‌های آنها به شکل خاکریزهای مدور و در امتداد هم در دشت قابل شناسایی هستند. میله‌های قنات بیشتر در بخش شمالی دشت و گاهی در مخروط افکنه‌های کوچک پای ارتفاعات شمالی و جنوبی کنده شده‌اند. این قنات‌ها طول زیادی ندارند مجموع میله‌های طولانی‌ترین آنها شاید به ۲۰ مورد هم نرسد. با توجه به امتداد یافتن برخی از میله‌های قنات‌ها تا کنار محوطه‌های تاریخی، احتمال قدیمی بودن برخی از قنات‌ها بسیار زیاد است.

غارها

از میان تعدادی غار و پناهگاه که شناسایی گردید تنها یک مورد (غار علی بولاغی) دارای آثاری از دوران میانی اسلام است.

امامزاده، حسینیه و نشانگاه‌ها:

این گروه از آثار در برخی از روستاهای ابهر و خرمدره، همچنین در شهر ابهر، صائین قلعه و سلطانیه دیده می‌شوند.

از دیگر نوع آثار شناسایی شده که برخی از آنها کاملاً منحصر به فرد می‌باشند می‌توان به گورستان‌ها، معادن قدیمی، کوره‌ها و معبد اشاره کرد.

دوره‌های تاریخی

دوره‌های شناسایی شده در بررسی و شناسایی حوزه ابهر رود بر اساس مطالعه سفال و یافته‌های سطحی دیگر عبارت است از: دوره پارینه‌سنگی، دوره نوسنگی، مس و سنگ، عصر برنز، عصر آهن، دوره تاریخی، دوران اسلامی.

قلعه‌ها: آثار و بقایای قلاع این حوزه آبریز عموماً بالای ارتفاعات و کوه‌های بلند، نواحی صعب‌العبور و مشرف بر دشت و بندرت در داخل روستاها قرار دارند. استحکامات تدافعی و فضاهای مختلف قلاع، اغلب با مصالح بومی مثل لاشه سنگ و خشت و ملاط آهک - گچ ساخته شده‌اند.

طی دو فصل حدود ۱۴ قلعه در منطقه شناسایی شد که برخی از آنها قلعه‌های بزرگ مثل قلعه حوض له یا قلعه کماجین و تعدادی نیز قلاع کوچک یا محل‌های دیدبانی مثل کوه سنگر بوده‌اند.

شهرها

به استثنای سلطانیه که آثار باقی مانده آن نشانگر شهری بزرگ از سده‌های میانی اسلام است، و قبلاً توسط باستان‌شناسان و سایر محققین مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته، طی بررسی هیچ محوطه بزرگی که دارای ویژگی‌های شهری باشد، در منطقه شناسایی نشد. با وجود این بافت قدیم باقی مانده برخی شهرها مثل ابهر و خرمدره وجود مراکز شهری را در این حوزه؛ حداقل از دوره قاجار و پهلوی تأیید می‌کند. در حفاری‌های فاضلاب شهری ابهر، در بخش وسیعی از مرکز شهر آثار و بقایای دوران میانی اسلام به دست آمد که نشان دهنده وجود شهری بزرگ در دوران سلجوقی و ایلخانی است.

حمام‌ها و تاسیسات آبرسانی

بسیاری از روستاهای منطقه حمام قدیمی دارند که امروزه بیشتر آنها تخریب شده و به خرابه تبدیل شده‌اند. از بزرگترین حمام‌های منطقه می‌توان به حمام یان یان خرمدره اشاره

دوره پارینه‌سنگی و نوسنگی

قدیمی‌ترین آثار استقراری شناخته شده در محدوده بررسی مربوط به دوره پارینه‌سنگی قدیم است. از این دوره و همچنین دوره نوسنگی فقط یک محوطه در نزدیکی شهر خرمدره (تپه خالصه) شناسایی گردید. تپه خالصه بقایای استقرار نسبتاً کوچکی است که در وسط باغات جنوب خرمدره و در نزدیکی رودخانه‌ای خشک و قدیمی قرار گرفته است (تصویر ۴). بیشتر یافته‌های سطحی خالصه (سفال‌ها و یافته‌های سنگی) مربوط به دوره نوسنگی و مس و سنگ است.

به هنگام بررسی و بازدید محل در فصل اول تعدادی ابزار سنگی متفاوت از سطح محوطه جمع‌آوری شد که بر اساس مطالعات انجام یافته اخیر به دوره پارینه‌سنگی قدیم تاریخ‌گذاری شده است (علی بیگی و خسروی زیر چاپ).

بلندی تپه خالصه از سطح دریا ۱۵۳۷ متر و مساحت آن ۲۱۱۵ متر مربع است. البته وسعت تپه در گذشته بیشتر از امروز بوده اما در سالیان اخیر به دلیل خاکبرداری جهت کشاورزی بخش‌هایی از تپه خالصه از بین رفته است.

نقشه پراکندگی استقرارها نشان می‌دهد که خالصه تقریباً در وسط دشت و نزدیک ابهرود قرار دارد. با توجه به این که امروزه بیشتر زمین‌های پیرامون ابهرود از صائین قلعه تا ابهر تبدیل به زمین‌های زراعی، باغات و جنگل شده است، احتمالاً محوطه‌های دوره نوسنگی که دارای ارتفاع و وسعت کمی هستند، از بین رفته و به مزارع کشاورزی تبدیل شده‌اند. احتمال قرار داشتن لایه‌های استقراری این دوره در زیر استقرارهای مس و سنگ را نیز نباید از نظر دور داشت.

مس و سنگ

از دوره مس و سنگ ۱۹ محوطه شناسایی گردید. محوطه‌های مربوط به این دوره هم در دشت و هم در مناطق کوهستانی پراکنده هستند. (۱۲ محوطه در دشت، ۷ محوطه در دره‌های میان کوهی) محوطه‌های دوره کالکولتیک در حوزه جنوبی ابهر رود بیشتر از حوزه شمالی آن دیده می‌شوند. دلیل این امر می‌تواند به وضعیت زیست محیطی تا حدودی متفاوت حوزه شمال و جنوب ابهر رود مربوط باشد. این محوطه‌ها سکونتگاه‌های کوچکی هستند و به نظر می‌رسد ساکنین آنها از طریق کشاورزی، دامداری و شکارورزی زندگی می‌کردند (تصویر ۴). سفال‌های سطحی استقرارهای کالکولتیک ابهرود نشان دهنده شباهت‌ها و پیوندهای فرهنگی منطقه با دشت تهران و قزوین است (تصویر ۵). یافته‌های سطحی دو محوطه شهربانو و کاروانسرا که در مرزهای شرقی شهرستان ابهر قرار دارند، شباهت زیادی با فرهنگ‌های شناخته شده همزمان در دشت تهران و قزوین دارند. با توجه به این که برخی از استقرارهای این دوره در ارتفاع بالای ۱۷۰۰ متر قرار دارند و با توجه به سرمای شدید منطقه در فصل زمستان و پائیز؛ احتمالاً تعدادی از استقرارهای مرتفع‌تر دوران مس و سنگ فصلی بوده و مربوط به اجتماعات کوچ‌رو است.

عصر برنز

محوطه‌های مربوط به دوره برنز ۲۰ مورد است که در ۴ محوطه، استقرار از دوره مس و سنگ ادامه یافته و در بقیه موارد استقرارها جدید می‌باشند (تصویر ۴). آثار فرهنگی این دوره عموماً به صورت تپه‌ها و محوطه‌هایی است که دارای سفال‌های خاکستری دست‌ساز صیقل یافته است.

آهن از مسائلی است که می‌بایست در پژوهش‌ها و مطالعات آینده مدنظر قرار گیرد. سفال‌های سطحی محوطه‌های عصر آهن از لحاظ ساخت، رنگ و تزئینات بسیار متنوع هستند (تصویر ۷).

دوره هخامنشی

در بررسی منطقه فقط ۱۴ محوطه قابل انتساب به دوره هخامنشی شناسایی شد. مسلماً نمی‌توان انتظار داشت که با شروع دوره هخامنشی به یکباره کاهش چشمگیری در استقرارها بوجود آید. یکی از مشکلات دوره هخامنشی در استان زنجان و بطور کلی شمال غرب ایران ناشناخته بودن سفال‌های هخامنشی است. در مطالعه سفال‌های این دوره تعداد محدودی از سفال‌ها با سفال‌های بدست آمده از معدن نمک چهرآباد و سفال‌های هخامنشی حسنلو مقایسه بودند و تعداد کمی نیز با سفال‌های شاخص هخامنشی جنوب ایران مشابهت داشتند. به نظر می‌رسد تا زمانی که مجموعه سفالی قابل اعتمادی از کاوش باستان‌شناسی در یک یا چند محوطه از استان یا شمال غرب ایران در اختیار نداشته باشیم، مسئله استقرارهای دوره هخامنشی در هر نقطه از استان زنجان همچنان با ابهامات زیادی همراه خواهد بود (تصویر ۴).

دوره اشکانی و ساسانی

از دوره اشکانی ۶۴ محوطه شناسایی گردید که عموماً معرف مراحل جدید استقرار هستند. میزان استقرارهای دوره ساسانی اندکی کمتر از دوره اشکانی می‌باشد. برخی از استقرارهای ساسانی روی محوطه‌های دوره اشکانی قرار گرفته‌اند. سکونتگاه‌های اشکانی و ساسانی به استثنای نواحی مرتفع کوهستانی تقریباً در دیگر

این سفال‌ها اغلب فرم‌های ساده‌ای دارند و گاهی همراه با سفال‌های ساده قهوه‌ای یا نخودی دست ساز دیده می‌شوند. در ۴ محوطه سفال‌های عصر برنز با سفال‌های دوره مس و سنگ که اغلب پوشش قرمز تیره دارند مخلوط بودند. با توجه به ویژگی‌های سفال‌های این دوره؛ می‌بایست محوطه‌های عصر برنز منطقه ابهر رود را با فرهنگ شناخته شده یانیق در شمال غرب پیوند داد. لازم به ذکر است که از سفال‌های با نقش کنده یانیق در محوطه‌های شناسایی شده این دوره نمونه‌ای بدست نیامد (تصویر ۶).

عصر آهن

در دوره آهن تعداد استقرارها به یکباره افزایش چشمگیری پیدا می‌کند. ۱۳ محوطه ادامه استقرار از دوره برنز است. ۶۰ محوطه دیگر آثار استقراری جدید است. سکونتگاه‌های این دوره در قسمت‌های مختلف حوزه آبریز دیده می‌شوند. بیشتر استقرارها در دشت بوده و عموماً در اطراف ابهر رود پراکنده هستند. تمرکز استقرارها در بخش‌های شمالی و غربی دشت نسبتاً بیشتر از دیگر نقاط است. علاوه بر دشت، استقرارهای دیگری از این دوره در مناطق کوهستانی و دره‌های میان کوهی شناسایی شده است (تصویر ۴). سکونتگاه‌های دوره آهن در اشکال مختلف تپه‌ها، محوطه‌ها، گورستان و یک قلعه هستند. افزایش سکونتگاه‌های این دوران که طبیعتاً با افزایش جمعیت نیز همراه بوده نشانگر شکل‌گیری تحولاتی جدید در منطقه بوده است. با توجه به این که بیشتر استقرارهای عصر آهن مربوط به فازهای I و II هستند شاید بتوان این مسئله را با فرضیه مهاجرت و استقرار اقوام جدید در منطقه مرتبط دانست. افزایش جمعیت در دوره

اسلامی به قرون ۵ تا ۹ هجری قمری تعلق دارند. در این ۴ سده تحولات بسیار مهمی در این ناحیه بوجود می‌آید. مهاجرت اقوام ترک‌نژاد به منطقه، استقرار طرفداران فرقه اسماعیلیه در پایگاه‌های کوهستانی این منطقه و سکونت برخی از ایلخانان مغول در ناحیه سلطانیه و خدابنده از عوامل اصلی افزایش استقرارهای سده‌های میانی اسلام در حوزه ابهر رود بوده است.

نتیجه

طی دو فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناختی در حوزه آبریز ابهر رود ۲۵۷ اثر باستانی شناسایی گردید. استقرارهای باستانی به صورت پراکنده تقریباً در بیشتر نقاط حوزه آبریز مشاهده می‌شوند. نواحی کوهستانی بسیار مرتفع، بخش‌هایی از جنوب و محدوده حد فاصل ابهر رود تا کوه‌های شمالی از مناطقی است که در آنها استقرارهای قدیمی به ندرت دیده می‌شود. به نظر می‌رسد هوای سرد و خشک بخش‌های مرتفع و سنگلاخی بودن زمین‌ها و کمبود منابع آبی دائمی در منطقه حد فاصل ابهر رود و کوه‌های شمالی از عوامل اصلی کمبود استقرارها است. سکونتگاه‌های باستانی کوه‌های شمالی به صورت خطی، در کوهپایه ارتفاعات و در جهت شمال غرب به جنوب شرق کشیده شده‌اند. وجود چشمه‌های دائمی نقش موثری در شکل‌گیری استقرارهای کوهپایه‌های شمالی دارند. علاوه بر کوهپایه‌ها، زمین‌های حاشیه ابهر رود، دره‌های میانکوهی ارتفاعات شمالی و جنوبی و شاخه‌های فرعی جنوبی ابهر رود از دیگر نواحی تمرکز استقرارهای انسانی بوده است. بطور کلی آنچه مسلم است در میان عوامل مختلف، در ارتباط با پراکندگی استقرارها و شکل‌گیری سکونتگاه‌ها؛

نقاط دیده می‌شوند (تصویر ۴). هم در دشت و اطراف ابهر رود، هم در دره‌های میان کوهی شمال و جنوب و هم در کوهپایه ارتفاعات پراکنده هستند. محوطه‌های اشکانی و ساسانی از نوع روستاهای دائم، مناطق استقرار فصلی، قلعه‌های کوچک و محل‌های نگهبانی است. با وجود آن که منطقه ابهر رود طی دوره اشکانی و ساسانی جز ایالت ماد محسوب می‌شده است، ولی هیچ محوطه بزرگی (شهر) در منطقه شناسایی نشد. سفال‌های یافت شده از محوطه‌های اشکانی و ساسانی حوزه ابهر رود شباهت زیادی به محوطه‌های همزمان در شمال غرب و غرب ایران دارند. همچنین بدست آمدن تعدادی سفال لعابدار یا منقوش مشابه سفال‌های مناطق غربی و جنوبی ایران نشان دهنده ارتباطات فرهنگی این ناحیه با مناطق یاد شده است (تصویر ۸ و ۹).

دوران اسلامی

محوطه‌های اوایل دوره اسلامی تفاوت چندانی با دوره ساسانی از لحاظ نوع و چگونگی و تعداد استقرارها ندارد. اما دوران میانی اسلام از ادوار پر رونق و شکوفای این ناحیه بوده است. تعداد محوطه‌های دوران میانی اسلام ۸۵ مورد است که شامل روستاهای کوچک و بزرگ، مناطق شهری، بناهای مذهبی و قلعه‌ها می‌باشد. این استقرارها عموماً بصورت دائمی بوده و در بیشتر نقاط محدوده بررسی شده پراکنده هستند (تصویر ۴). علاوه بر کوهستان‌های شمال و جنوب بسیاری از مناطق دشت ابهر و خرمدره نیز در تمام دوران اسلامی مسکونی بوده است. تمرکز جمعیت در برخی از نقاط همچون شهر ابهر و خرمدره و سلطانیه بیشتر از سایر مناطق است. همانند دیگر مناطق شناخته شده استان بیشتر استقرارهای

از زحمات فراوان و همکاری صمیمانه اعضای محترم هیئت در فصل اول آقایان سجاد علی بیگی، رحیم سلامتی، جبار جواهری، محسن قاسمی و خانم‌ها شکوه خسروی و آناییتا پرهیزکار همچنین در فصل دوم آقایان فرزاد مافی، فخرالدین شورمستی، داود آبیان، محمد قمری، مهرداد قربانی، علیرضا افشار بسیار سپاسگزارم.

فهرست منابع:

- آمارهای پایه‌ای شهرستان‌های استان زنجان، ۱۳۸۳، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان.

- بیگلر، اسد الله، ۱۳۷۸، آثار فرآیندهای هیدرو ژئومورفولوژی در فرسایش حوزه آبخیز ابهر رود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیای طبیعی، دانشگاه شهید بهشتی.

- ثبوتی، هوشنگ، ۱۳۷۷، بناهای آرامگاهی استان زنجان، انتشارات زنگان.

- رهبر، مهدی، ۱۳۷۷، گزارش منتشر نشده کاوش‌های باستان‌شناسی آتشکوه، کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی.

- صدری، فرشید، ۱۳۸۰، نگرشی بر روند توسعه روستایی در شهرستان خرمدره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.

- عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی حوزه آبریز ابهر رود، آرشیو و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.

- عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی حوزه آبریز ابهر رود، آرشیو و

شرایط و عوامل جغرافیایی نقش اصلی دارند. بیشتر آثار شناسایی شده احتمالاً روستاهای کوچک و بزرگی بوده‌اند که در نزدیکی یک منبع دائمی آب مثل چشمه‌ها و رودخانه‌ها قرار دارند. بسیاری از این منابع هم اکنون دارای آب بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. تعداد معدودی از استقرارها نیز امروزه در کنار نهرها و آبراهه‌های خشک شده واقع هستند. همانند دوره معاصر بخش‌هایی از منطقه که دارای زمین‌های سنگلاخی حاصل از فرسایش کوه‌های شمالی هستند و مناطقی که منبع آب دائمی ندارند، کمتر مورد سکونت قرار گرفته است. همچنین تمرکز استقرار در نواحی معتدل‌تر حوزه آب ریز و زمین‌های مسطح قابل کشاورزی بیشتر می‌باشد. لازم به ذکر است که شکل‌گیری برخی از استقرارها مثل گورستان‌ها ارتباط چندانی با عوامل جغرافیایی ندارند. محل قرارگیری استقرارهای روستایی و مصالح معماری سطحی موجود در آنها شباهت زیادی با روستاهای فعلی منطقه دارد. بر اساس مطالعات سفال‌ها و یافته‌های سطحی دیگر قدیمی‌ترین دوره پارینه سنگی قدیم و جدیدترین آنها دوره متاخر اسلامی است. بیشترین آثار شناسایی شده مربوطه به سده‌های میانی اسلام با ۸۵ اثر و پس از آن فازهای سه گانه عصر آهن با ۷۳ اثر است. استقرارهای اشکانی و ساسانی با ۶۴ اثر، برنز با ۲۰ اثر، مس و سنگ با ۱۹ اثر، نوسنگی و پارینه سنگی هر کدام ۱ مورد دیگر آثار شناسایی شده در حوزه آبریز ابهر رود هستند. یافته‌های سطحی عموماً نمایانگر تاثیر فرهنگ‌های مناطق همجوار بر این حوزه و ارتباط فرهنگی منطقه با سایر مناطق است. هرچند نشانه‌هایی از وجود داده‌های بومی نیز در برخی ادوار وجود دارد.

- مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.
- عسگریان، مهرداد، ۱۳۸۰، گزارش گمانه‌زنی قلعه تپه ابهر، آرشیو میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، استان زنجان.
- علی بیگی، سجاد و شکوه خسروی، ۱۳۸۶، "تپه خالصه کهن‌ترین استقرار پیش از تاریخی در حوزه آبریز ابهر رود"، *باستان‌پژوهی*، شماره ۱۵، (زیر چاپ).
- علی بیگی، سجاد و شکوه خسروی، "خالصه؛ نخستین شواهد از دوره پارینه سنگی قدیم در دشت خرمدره، حاشیه شمال غرب فلات مرکزی ایران" در پژوهش‌های جدید پارینه سنگی در ایران (مجموعه مقالات) موزه ملی ایران، (زیر چاپ).
- گنجوی، سعید، "داش کسن شیرین و فرهاد"، ۱۳۵۴، *بررسی‌های تاریخی*، ۱۰، صص ۲۵-۳۴.
- گنجوی، سعید، "بررسی و پیگردی در سلطانیه"، ۱۳۵۵ الف، *گزارش‌های چهارمین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران*، تهران، صص ۹۱-۷۴.
- گنجوی، سعید، "کاوش تپه نور شهر تاریخی سلطانیه"، ۱۳۵۵ ب، *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۱۱، صص ۱۶۱-۱۹۶.
- معتمدی، نصرت‌الله، ۱۳۷۶، "زیویه کاوش‌های ۱۳۷۴، معماری و شرح سفال"، *گزارش‌های باستان‌شناسی*، شماره ۱، پژوهش‌شکده باستان‌شناسی، صص ۱۷۰-۱۴۳.
- ملک شه‌میرزادی، صادق، ۱۳۵۶، "گزارش مقدماتی فصل اول و دوم حفاری تپه سگرآباد"، *مجله مارلیک*، شماره ۲، موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و
- علوم انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۹۸-۸۱.
- میر فتحاح، سید علی اصغر، ۱۳۷۰، "سلطانیه"، *شهرهای ایران*، (جلد ۴)، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، صص ۱۵۲-۲۰۵.
- میر فتحاح، سید علی اصغر، ۱۳۷۳، "بررسی و شناسایی قلعه تپه ابهر"، *اثر*، ش: ۲۲ و ۲۳ صص ۱۶۸-۱۸۵.
- Keall & Keall, 1981, "The Qaleh-i Yazdگرد Pottery: A Statistical Approach", *Iran*, Vol. 19: pp. 33-81.
- Kleiss, W., 1970, "Zur Topographie des (Partherhanges) in Bistun", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 3 (N.f.): pp. 133-168.
- Kleiss, W., 1973, "Qaleh Zahak in Azarbaijan", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 6 (N.F) : pp. 163-196.
- Kleiss, W., 1985, "Der Saulenbau Von Khurha", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 18: pp. 173-180.
- Kleiss, W., 1997, "Bauten und Siedlungsplatze in der Umgebung Von Soltaniyeh", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 29: pp. 341-493.
- Lecompte, O., 1987, "La Seramique Sasanide", *Fouilles de Turang Tepe, Sous la de Jean Deshayes par Remy Boucharlat et Oliver Lecompt*, Paris, pp. 93-113.
- Trinkhaus, K.M., 1986, "Pottery from Damghan Plain, Iran: Chronology and Variability from the Parthian to The Early Islamic Periods", *Studia Iranica*, Tome 15, face 1, pp 23-88, 15/1.
- Vencoricardi, R., 1970, "Sasanian Pottery from Tell Mahuz (North-West Mesopotamia)", *Mesopotamia*, V-VI, pp. 427-440.
- Young, T.C. and L.D. Levin, 1974, "Excavation of The Godin Project: Second Progress Report", *The Royal Ontario Museum*.